

اخلاق و رفتار سیاسی پیامبر اعظم ﷺ

دکتر بهرام منتظری^۱

مجید مظاهری^۲

چکیده

امروزه، دیپلماسی از مهم‌ترین راهکارهای دولت‌ها برای رسیدن به اهداف و منافع ملی خود در خارج از مرزهایشان است، با توجه به این که دین مبین اسلام جهانشمول فرض می‌شود جای این تأمل هست که پیامبر اسلام چه روش‌هایی را در دیپلماسی خود به کار گرفته و اصولاً آیا از این راهکار برای رسیدن به هدف اصلی بعثت، یعنی اصل دعوت به توحید و اسلام به عنوان دین خاتم، استفاده کرده‌اند یا خیر؟

این مختصر در صدد است که بیان نماید دین مبین اسلام و پیامبر اعظم، نه تنها به دیپلماسی برای رسیدن به اهداف خود معتقد بوده، بلکه مشوق اصل مذاکره و رفع تخاصمات از راه برقراری جلسات گفتگو و استدلال بوده و برای دیپلماسی، اصول، مبانی و ویژگی‌های خاص ارایه داده که تا آن روزگار سابقه نداشته و الگوی آیندگان قرار گرفته است. دیگر این که، اسلام، هر چند به جهاد ارجح و الایی می‌نهد، آن را آخرین راه حل دیپلماسی تلقی می‌کند و اسلام بیش از آن که دین «زور برهنه»

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.

یعنی شمشیر باشد آن گونه که معاندین و دشمنان اسلام گفته‌اند دین دیپلماسی است.

روش تحقیق مقاله، کتابخانه‌ای است و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی با رویکردی تاریخی و با استناد به آیات و روایات اسلامی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

دیپلماسی، دیپلماسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

مقدمه

هر چه رشد عقلی آدمیان بیشتر می‌شود، منطق گفتگو در میان آنان بیش از پیش متداول می‌گردد. هم چنین دولت‌ها نمایندگان ملت‌های خود و در واقع تجلی خواسته‌ها، ظرفیت‌ها، لیاقت‌ها، و اراده‌ی ملت خویش می‌باشند. بنابراین، هر چه این دولت‌ها عقلایی‌تر باشند، برای رسیدن به اهداف خود، از روش چانه‌زنی سیاسی، گفتگو و به عبارت دیگر دیپلماسی استفاده‌ی بیشتری می‌نمایند.

دین مبین اسلام از همان آغاز بعثت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبنای دستورات و قوانین و اساس دعوت به توحید خود را بر پایه‌ی علم و عقل گذارد و از روش چانه‌زنی، استدلال منطقی و عقلایی، و به زبان امروزی، «دیپلماسی» استفاده نمود. سیزده سال دعوت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مکه‌ی معظمه با آن سختی‌ها و مرارت‌هایی که بر او و یاران با وفایش روا می‌داشتند، هم حکایت از توگد روش و اصول جدید دیپلماسی در جهان بعد از بعثت ایشان دارد. جالب است بدانیم دستور به جهاد و آیات مربوط به آن، چند سال بعد از هجرت پیامبر اعظم

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به مدینه منوره صورت گرفت؛ بدین معنا که آخرین راه دیپلماسی در اسلام جهاد است و نه اولین و سهل ترین راه. این مقاله بر آن است که در چهار بخش، ابتدا کلیاتی درباره‌ی دیپلماسی و روابط دیپلماتیک، سپس دیپلماسی در اسلام، سوم دیپلماسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و در آخر، مکانیزم‌های اجرایی دیپلماسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را تبیین نماید.

دیپلماسی و رابطه‌ی دیپلماتیک

۱- مفهوم دیپلماسی

واژه‌ی «دیپلماسی» از ریشه‌ی یونانی دیپلوما (Diploma) اخذ شده که معنای لغوی آن صفحه یا برگ تا شده است، و در اصطلاح، «دیپلوما» به سندی گفته می‌شود که به موجب آن عنوان یا امتیازی به شخص می‌دادند. از این ریشه واژه‌ی «دیپلم» در فرانسه و صنعت «دیپلماتیک» و کلمات «دیپلماسی» و «دیپلمات» ساخته شده است.^۱

واژه‌ی دیپلماسی به گونه‌های مختلف تعریف شده است، مانند:

- اداره‌ی امور بین الملل به وسیله‌ی سفیر و دیگر مأموران دیپلماتیک؛

- اداره‌ی امور بین دولت‌ها به وسایل مسالمت‌آمیز؛

- هنر دیپلمات در اداره‌ی امور خارجی دولت به وسایل

مسالمت‌آمیز، خصوصاً با مذاکره و گفتگو.^۲

۱- صدر، جواد، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، ص ۱۴؛ همچنین رک: عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، ص ۲۶۵.

۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، ص ۲۱۰.

اما در یک جمع بندی از همه‌ی تعاریف ارایه شده می‌توان چنین بیان داشت که:

«دیپلماسی روشی است برای حل و فصل مسایل مربوط به روابط خارجی دولت به وسیله‌ی گفتگو یا هر روش مسالمت آمیز دیگر».

۲- تاریخ روابط دیپلماتیک در اسلام

به طور قطع می‌توان بیان داشت که روابط دیپلماتیک در اسلام از ابتدای ظهور اسلام وجود داشته و پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تبلیغ رسالت خود در عربستان و سایر نقاط از آن استفاده کرده است. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اوّلین کسی بود که نخستین هیأت را به حبشه و اوّلین سفیر (دجبه بن خلیفه الکلبی) را با مهر خود به دربار قیصر روم فرستاد. وقایع نگاران مسلمان شرح فرستادگان پیامبر اعظم به ییزانس، ایران، مصر و حبشه را ثبت کرده‌اند. این فرستادگان حامل نامه‌ای رسمی بودند و دستور داشتند که آنها را به سران دولت‌ها ابلاغ کنند.^۱

۳- منابع حقوق دیپلماتیک

هر نظام حقوقی از مبنایی سرچشمه گرفته و با استناد به آن منابع، قوانین حقوقی شکل می‌گیرد.^۲ با وجود گوناگونی نظریات حقوقدانان مسلمان درباره‌ی منابع حقوق اسلام، می‌توان در یک تقسیم بندی کلی منابع حقوقی اسلام را به دو دسته‌ی اصلی و فرعی تقسیم نمود. منابع اصلی که عبارت‌اند از: کتاب (قرآن کریم) سنت، اجماع، و عقل (یا به نظر اهل

۱- خدوری، مجید و هربرت ج لیبی، حقوق در اسلام، ترجمه: زین العابدین رهنما، ص ۳۹۷.

۲- میری‌زاده، حسین، حقوق بین الملل در اسلام، ص ۱۴.

سنت قیاس)،^۱ و منابع فرعی که عبارت‌اند از: عرف، سیره‌ی عقلا، شهرت، معاهدات، قواعد حقوقی بین الملل و احکام حکومتی. نیک مسلم است که فرق منابع اصلی و فرعی در این است که منابع فرعی مستقل نیستند.

۴- شرایط برقراری روابط دیپلماتیک

در برقراری روابط دیپلماتیک مرسوم است که طرفین باید دولت باشند و دو دولت یکدیگر را نیز به رسمیت شناخته و در برقراری روابط دیپلماتیک با یکدیگر توافق کرده باشند و یکی نزد دیگری مأمور اعزام نماید.^۲

در واقع، شناسایی پس از موجودیت دولت، شرط اساسی برقراری روابط دیپلماتیک است، که به دو صورت شناسایی موقت و غیر کامل (دو فاکتور)،^۳ و کامل و دائم، دو (ژوره)^۴ مطرح می‌گردد.

حقوق بین الملل اسلامی نیز عمل شناسایی را به عنوان یک واقعیت موجود پذیرفته است و شناسایی دولت یا کشورها از دیدگاه اسلام به سه صورت امکان پذیر است:^۵

۱. کشورهای که نظام سیاسی آن مشروعیت الهی داشته و نهادهای اسلامی آن بر مبنای اجرای قوانین الهی تکوین یافته باشد.

۱- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۱۴۰.

۲- ر.ک: قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی بین الملل، محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی.

۳- De-facto.

۴- De-Jure.

۵- زنجانی، عمید، همان، ص ۲۶۹.

۲. کشوری که نظام سیاسی آن مشروعیت مردمی داشته و دولت نماینده‌ی واقعی مردم باشد.

۳- در موارد ضروری و برای حلّ بن‌بست‌ها، اسلام بر مبنای قاعده‌ی "الضرورات تبیح المحظورات" برخی از کشورهایی را که دارای نظام کفر و متگی به ظلم و تحمیل‌اند برای رسیدن به توافقی‌های نسبی به نفع اسلام به طور مقطعی به رسمیت می‌شناسد.

دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام

۱- اصول دیپلماسی در اسلام

منظور از دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، فعالیت‌هایی است که پیامبر اعظم، یعنی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، به عنوان رئیس حکومت و نیز نمایندگان و سفرای منتخب ایشان در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط مشی‌های کلی اسلام در زمینه‌ی سیاست خارجی و همچنین، پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولت‌های غیر مسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی انجام داده‌اند.^۱

بر بنیاد آیات قرآن کریم، خطوط کلی دیپلماسی و رفتار سیاسی اسلام که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، عنوان اسوه‌ی حسنه‌ی دیگر مسلمانان (بلکه جهانیان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان)، ملزم به رعایت آن هستند عبارتند از:

۱- پابندی به تعهدات و پیمان‌ها. (انفال/۴۲، توبه/۷،

نحل/۹۱-۹۲، اسراء/۳۴)

۱- زنجانی، عمید، همان، ص ۲۷۲.

- ۲- التزام به عدالت و نظم عادلانه‌ی بین‌المللی. (مأثده / ۸)
- ۳- احترام به حقوق بی‌طرفان در جنگ و مخاصمات بین‌المللی. (نساء/ ۹۰)
- ۴- صلح و دوستی و قبول پیمان‌های صلح جویانه. (انفال/ ۶۱)
- ۵- اجتناب از توسعه‌طلبی و تجاوز در جهان و مبارزه با عاملان استکبار و کمک به ملت‌هایی که برای رهایی خویش با استکبار مبارزه می‌کنند. (قصص/ ۸۳)
- ۶- رفتار دوستانه و مسالمت‌آمیز با ملت‌هایی که در اندیشه‌ی دشمنی نیستند. (ممتحنه/ ۸)
- ۷- رفتار متقابل و منصفانه با دولت‌هایی که در روابط خود امانت و عدالت و انصاف را رعایت می‌کنند. (رحمان/ ۶۰)
- ۸- مقابله و معامله به مثل با متجاوزان و تجاوز نکردن از حدّ معقول. (بقره/ ۱۹۴، شوری/ ۴۰-۴۲)
- در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان چنین بیان کرد که اصول و خطوط کلی دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام و آنچه که از فرامین الهی و آیات قرآن کریم استنباط می‌شود. بدین قرارند:
- ۱- اصل توحید؛
 - ۲- اصل نفی سبیل و عزّت و سیادت اسلامی؛
 - ۳- بهره‌گیری از روش‌های مسالمت‌آمیز در حل و فصل اختلافات؛
 - ۴- رعایت احترام متقابل و نزاکت بین‌المللی؛
 - ۵- اصل وفای به عهد و احترام و قراردادهای پیمان‌ها؛
- نظر به اهمیت این اصول و برای فهم بیشتر رفتار سیاسی پیامبر اعظم ﷺ به طور مختصر و در خور مقاله هر یک از این اصول را توضیح می‌دهیم:

الف) اصل توحید

توحید از مهم‌ترین مبانی سیاست خارجی دولت اسلامی است. این اصل، محور اصلی دیپلماسی در اسلام است. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز دعوت خویش را از توحید شروع کرد و توحید، هدف اصلی سیاست خارجی آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. مبانی اولیه‌ی دعوت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز توحید بود. دعوت اولیه‌ی آن بزرگوار در دوران دعوت سرّی بر توحید و یگانگی خداوند متعال استوار بود. همچنین در نامه‌هایی که پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سران و پادشاهان آن روزگار نوشته‌اند، قبل از هر چیز، آنها را به توحید دعوت کرده و در بیشتر نامه‌های خود به بزرگان و سران مسیحی به این آیه‌ی شریفه اشاره می‌فرمایند که:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾^۱

ب) اصل نفی سبیل (عزّت و سیادت اسلامی)

قاعده‌ی نفی سبیل به لحاظ دلیل و سند شرعی بسیار معتبر است و آیه‌ی قرآنی، حدیث پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اجماع فقهای اسلام و دلیل عقلی از مستندات آن است این مستندات از این قرارند:

- آیه‌ی قرآنی: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^۲

بر اساس آیه‌ی نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه‌ی کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود.

۱- آل عمران / ۶۴. ترجمه: «بگو ای اهل کتاب! بیاید از آن کلمه‌ی حق که بیان ما و شما یکسان است پیروی کنید که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم».

۲- نساء / ۱۴۱. ترجمه: «خداوند سبیل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است».

- حدیث اعتلا: از پیامبر اعظم ﷺ روایت شده که فرموده: «الاسلام یعلو و لایعلی علیه و الکفار بمنزلة الموتی لایحجبون و لایورثون».^۱

- اجماع فقها: از دیگر دلایل و مستندات قاعده‌ی نفی سبیل، اجماع فقها و مسلمانان بر این مطلب است که در اسلام هیچ گونه قاعده‌ای مبنی بر جایز بودن تسلط کافران بر مسلمانان وجود ندارد.^۲

- دلیل عقلی؛ مناسبت حکم با موضوع: منظور از این مطلب، این است که شرافت و ماهیت توحیدی دین اسلام مانع از آن است که مسلمان برای غیر خداوند تعبّد و تذلل کند.

نتیجه این که می‌توان اهمّ عناوین مستنبط از اصل نفی سبیل در فقه را چنین برشمرد:

۱- عدم جواز ولایت غیر مسلمان بر مسلمان؛

۲- عدم جواز مشورت از غیر مسلمان در امور مسلمین؛

۳- سقوط حق قصاص غیر مسلم؛

۴- عدم جواز ترویج غیر مسلم با مسلم؛

۵- عدم ثبوت حق شفعه برای غیر مسلم.

ج- اصل همزیستی مسالمت آمیز

- قرآن کریم: در نظر قرآن کریم، زندگی اجتماعی مشتمل بر جنگ و صلح است، اما صلح و همزیستی مسالمت آمیز، عنایت حرکت اجتماع

۱- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، باب میراث اهل الملل، ص ۱۹، ترجمه: اسلام همیشه بر سایر مکاتب و ملل علو و برتری نسبت دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله‌ی مرده‌ها هستند که نه مانع ارث می‌شوند و نه ارث می‌برند.

۲- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی، قم، ص ۳۳۰.

و هدفی است که انبیای الهی برای استقرار آن آمده‌اند؛ زیرا مهم‌ترین هدف ارسال رُسل استقرار عدالت اجتماعی است و این در معنای واقعی خود، صلح و امنیت اجتماعی را به همراه خواهد داشت.^۱

قرآن کریم همواره مؤمنان را به ایجاد روابط مسالمت‌آمیز با دیگران و ایجاد صلح همگانی و عمومی دستور داده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾^۲.

- رفتار سیاسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: علاوه بر آیات متعدد قرآن کریم، عملکرد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز بر همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید دارد؛ چنان که آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای ایجاد انگیزه در مخالفان برای توافق‌های اصولی و کشاندن آنان به مذاکرات صلح‌آمیز، از توافق‌های جزئی در مورد قدر مشترک‌ها هرگز صرف نظر نمی‌کرد و با توافق و قرارداد و معاهده در زمینه‌ی مسایل فرعی، راه را برای رسیدن به توافق‌های اصولی‌تر و بیشتر هموار می‌کرد.^۳

از نظر تاریخی، پس از هجرت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، به مدینه جنگ‌هایی رخ داد. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پس از این جنگ‌ها که حدود شش سال طول کشید، استراتژی صلح را دنبال کرد که بارزترین و ملموس‌ترین نمود عینی آن صلح حدیبیه است. در روابط خارجی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اصل بر صلح است و جنگ حالت استثنایی دارد که بنا به ضرورت چهره می‌نماید. در واقع رفتار سیاسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در

۱- سوره نسا/ ۱۱۴. (اصلاح بین الناس) و ۱۲۸ (الصلح خیر).

۲- سوره بقره/ ۲۰۸. ترجمه: «ای کسانی که به ایمان گرویده‌اید، همگی به صلح و همزیستی درآید و پا بر جای پای شیطان منهدید که او برای شما دشمن آشکار است».

۳- ر.ک: عمید زنجانی، عباسعلی، همان، ص ۲۷۴.

حوزه‌ی سیاست خارجی و دیپلماسی، اصالتاً مبتنی بر دعوت بود و این نوع رفتار، در آغاز رسالت و پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و فتح مکه تا آخر عمر ایشان، ادامه داشت.^۱

- شیوه‌های سیاسی حل اختلافات در دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اعظم ﷺ:

۱- مذاکره: مستقیم‌ترین راه حل اختلافات، مذاکراتی است که طرفین نزاع می‌توانند برای روشن شدن وضع و اخذ تصمیم نهایی با یکدیگر داشته باشند. این روش حل اختلاف از دیدگاه حقوق اسلام بلامانع بوده و عملاً نیز پیامبر اعظم ﷺ در دیپلماسی و رفتار سیاسی خود در موارد متعددی این شیوه را دنبال کرده است، از جمله:^۲

- مذاکره با نمایندگان قریش و ماجرای نمایندگی ابوطالب از طرف سران قریش؛

- مذاکره با نمایندگان مردم یثرب در عقبه‌ی اولی و عقبه‌ی ثانی؛

- مذاکره با هیأت نمایندگی قریش به سرپرستی به دلیل خزاعی؛

- سفارت جلیس بن علقمه، مرد سیاسی - نظامی قریش؛

- مذاکرات پیامبر اعظم ﷺ با سهیل بن عمرو، فرستاده‌ی مخصوص

قریش و انعقاد قرارداد تاریخی صلح حدیبیه؛

- مذاکره با نمایندگان ثقیف (طایف)؛

- مذاکره پیامبر اعظم ﷺ در جریان فتح مکه؛

۱- علی شیرخانی، «دعوت و جنگ و صلح در قرآن»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۱۵، ص ۱۹۱.

۲- الظالمی، محمد صالح، من الفقه السياسي فی الاسلام، ص ۱۳۹.

- مذاکره با سفرای ملوک حمیر و مذاکره با هفتاد هیأت نمایندگی.^۱

۲- حکمیت و داوری: دیگر روش حل اختلاف، حکمیت و داوری است. در این شیوه، هیأت مورد قبول طرفین، مأموریت حل اختلاف را پذیرفته و اختیار دارد تا راه و روش حل اختلاف را ارایه دهد. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز حکمیت و داوری را در رفتار سیاسی خود برای حل اختلاف به عنوان یک قاعده‌ی حقوقی بین‌المللی به کار بردند؛ چنان که اختلاف با یهود بنی‌قریظه به شیوهی حکمیت حل و فصل گردید.^۲

در اینجا لازم است که به روش‌های دیگر حل اختلاف، همچون میانجی‌گری، سازش و راه حقوق نیز که مورد تأیید حقوق بین‌الملل است اشاره شود. نیک مسلم است که این روش‌ها در دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سابقه نداشته‌اند، اما با فهم صحیح دین اسلام می‌توان به قطع بیان داشت که این روش‌ها نیز مورد تأیید و تأکید اسلام است و از نظر حقوق اسلام، اعمال این روش‌ها منعی ندارد. و در ضمن، در روایات بسیاری که از امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به دست ما رسیده، آنان، مسلمانان را برای ثبوت صلح و رعایت حقوق اجتماعی همدیگر بدین روش‌ها تشویق کرده‌اند.^۳

د- رعایت کمال احترام متقابل و نزاکت بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دیپلماسی اسلام، اصل رعایت احترام و نزاکت در روابط بین‌الملل است.^۴

۱- زرگری‌نژاد، غلامحسین، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۲۳.
 ۲- ابن هشام، سیره النبی، ترجمه: رسولی محلاتی، سید هاشم، ص ۲۶۷.
 ۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۲، صص ۳۹-۴۱.
 ۴- خلیلیان، سید خلیل، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص ۲۵۳.

اسلام در برخورد با بیگانگان و پیروان ادیان الهی، با مروّت برخورد کرده و اقلیت‌ها را دارای حقوق ویژه‌ای دانسته است. اسلام در مورد بیگانگان از سخت‌گیری پرهیز دارد و دارای تساهل دینی نسبت به رابطه با بیگانگان است و به حس سلوک و مهرورزی دستور می‌دهد. اسیره‌ی پیامبر اعظم ﷺ در برخورد با سفرا و نمایندگان همه‌ی ملل، محبّت آمیز و به دور از هر نوع خشونت بود و کمترین مزاحمتی برای آنان ایجاد نمی‌کرد.^۲

در کتب تاریخی در خصوص رفتار سیاسی پیامبر اعظم ﷺ روایت شده است که ایشان همیشه با فرستادگان ملل خارجی با احترام و مهربانی هر چه تمام‌تر رفتار می‌کرد و بنا بر عادت و خوی متعالی خود به آنها تحف و هدایای فراوانی ارزانی می‌داشت و در مقام توصیه به اصحاب خود در این مهم می‌فرمود: «پس از من نیز بدین گونه عمل کنید».^۳

ه - اصل وفای به عهد و احترام به قراردادها و پیمان‌ها

یکی از مهم‌ترین اصول در روابط بین الملل، اصل احترام به تعهدات است. از نظر اسلام، التزام به پیمان و وفای به عهد، یک سیاست راهبردی و بلندمدت است و تحت هیچ شرایطی قابل نقض نیست. فلسفه‌ی تأکید دین اسلام بر لزوم وفا به عهد و پیمان، ایجاد زمینه‌ی توافق بر همزیستی و زندگی مسالمت آمیز است.

۱- بوازار، مارسل، اسلام و حقوق بشر، ترجمه: مؤیدی، محسن، ص ۶۳.

۲- ماجرای فرستادگان مسیلمه‌ی کذاب و تعرّض آنان به پیامبر اسلام یکی از این نمونه‌هاست. برای آگاهی بیشتر ر. ک: دفتر همکاری حوزه دانشگاه، اسلام و حقوق بین المللی عمومی، ج ۲، ص ۲۱۷.

۳- رشید، احمد، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ترجمه: سیّدی، ص ۸۴-۸۵.

مستندات اصل وفای به عهد و احترام به قراردادهای و پیمانها عبارتند از:

آیات قرآن کریم: در آیات قرآن کریم، به وفای به عهد و قراردادهای بسیار تأکید شده است:

﴿وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا﴾^۱؛

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾^۲؛

﴿الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾^۳؛

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾^۴؛

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾^۵.

- سنت و رفتار سیاسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: انس بن مالک از پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می کند که حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «لادین لمن لا عهدله».

همچنین رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «المؤمنون عند شروطهم»^۶.

تاریخ اسلام: در تاریخ اسلام، نمونه‌هایی بسیار از رعایت اصل وفای به عهد است چنانکه در قضیه ابوجندل بعد از صلح حدیبیه و فرار وی از مکه به مدینه و استرداد آن از طرف پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مشرکین مکه نوعی واضح از رفتار سیاسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشاهده می شود.^۷

۱- بقره/ ۱۷۷. ترجمه: «مؤمنان کسانی اند که چون پیمان بستند به پیمانشان وفا کنند».

۲- مائده/ ۱. ترجمه: «ای اهل ایمان، به عهد و پیمان خود وفا کنید».

۳- رعد/ ۲۰. ترجمه: «کسانی که به عهد خداوند وفا می کنند و پیمان حق را نمی شکنند».

۴- اسراء/ ۳۴. ترجمه: «به عهد وفا کنید بی گمان از عهد پرسیده می شود».

۵- مومنون/ ۸. ترجمه: «و کسانی که امانت‌ها و پیمان‌های خویش را همی پاینده».

۶- انصاری، مرتضی، المکاسب، ص ۲۱۵.

۷- ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، ترجمه عباس خلیلی، ص ۲۳۵.

دیپلماسی پیامبر اعظم ﷺ

۱- سیره‌ی حکومتی پیامبر اعظم ﷺ

مورخان اسلامی درباره‌ی تاریخ تولد پیامبر اعظم ﷺ اتفاق نظر ندارند، اما آنچه مسلم است این است که ایشان در چهل سالگی به پیامبری مبعوث شدند. حضرت محمد مصطفی ﷺ پس از بعثت، از قلم و آگاهی، از هدفمندی حیات، از برابری انسان‌ها در خلقت و در پیشگاه الهی و یکسانی آنان در پیشگاه حکومت، بطلان و نفی امتیازها و تفاخرات قومی - نژادی، برابری سیاه پوست و سفید پوست، ارزش والای زنان و حقوق قطعی ایشان بر ذمه‌ی مردان، قسط و عدل، آزادگی و کرامت تهی‌دستان، برابری انسان‌های محروم با اشراف و ملاک و معیار بودن تقوا در فضیلت انسان‌ها و تقرب انسان‌ها به خداوند در صورت رعایت حدود الهی، سخن می‌گفت.

دوره‌ی بیست و سه ساله‌ی رسالت پیامبر اعظم ﷺ را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره‌ی ملت‌سازی، که در آن به دعوت سرّی خویشاوندان و سپس دعوت عمومی و همگانی پرداخت و مصایب فراوانی دید؛ و دوره‌ی دولت‌سازی، که در آن، مسجد را به عنوان مرکز سیاسی، عبادی، اجتماعی و حکومتی در مدینه تأسیس کرد و سپس به انعقاد پیمان برادری بین هر گروه انصار (قبیله‌ی اوس و خزرج) و تدوین قانون اساسی (منشور مدینه) همّت گماشت.

۲- استراتژی پیامبر اعظم ﷺ در روابط دیپلماتیک

الف) استراتژی دعوت

در روابط خارجی اسلام، اصل دعوت به عنوان یکی از اصول اساسی مورد توجه و تأکید است و خداوند متعال در یکی از آیات قرآن کریم به پیامبر اعظم ﷺ این اصل را چنین معرفی می‌نماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾^۱.

دعوت، از احکام منصوصه‌ی اسلام و جزء ضروریات دین است و ریشه در چشمه‌ی زلال وحی دارد و از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف رسالت انبیای الهی، به ویژه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، محسوب می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ امر می‌نماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^۲.
 ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ﴾^۳.

دیگر این که دعوت را می‌توان استراتژی اول پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در رفتار سیاسی ایشان دانست که متناسب با شرایط زمانی و مکانی، شکل‌های گوناگونی به خود می‌گرفت. آن حضرت به مدت سه سال دعوت پنهانی داشت و پس از آن، خویشاوندانش را به اسلام دعوت فرمود، و با گذشت سه سال از آغاز بعثت، اقدام به دعوت عمومی و همگانی کرد.

شیوه‌ی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در استراتژی و رفتار سیاسی دعوت شامل موارد زیر بود:

۱- آل عمران / ۶۴.

۲- نحل / ۱۲۵. ترجمه: «با حکمت و اندرز نیکو به سوی، پروردگارت دعوت نما و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال کن و مناظره بنما. به راستی که خداوند نسبت به آنان که گمراه شدند داناتر و او به حال هدایت یافتگان نیز داناتر است.»

۳- شوری / ۱۵. ترجمه: «بنابراین، به دعوت پرداز و همان‌گونه که مأموری، استقامت کن و از هوس‌های آنان پیروی نکن.»

تقدم دعوت بر جنگ: در دیپلماسی پیامبر اعظم ﷺ اولویت اول و اصلی، دعوت به اسلام بوده است. اصولاً رفتار سیاسی پیامبر اعظم ﷺ در حوزه سیاست خارجی مبتنی بر دعوت بوده و این شیوهی رفتار در آغاز رسالت و پس از مهاجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی نیز ادامه داشته است.^۱

انعطاف: یک از شیوه‌های رایج در دیپلماسی پیامبر اعظم ﷺ، به ویژه در استراتژی آن حضرت، دعوت توأم با انعطاف و ملایمت بود و حتی یکی از علل گسترش اسلام و نفوذ عمیق و وسیع پیامبر اعظم ﷺ در دل دیگران، رفتار سیاسی منصفانه‌ی آن بزرگوار بود.^۲

استفاده از نقاط مشترک: استفاده از قدر مشترک در دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اعظم ﷺ نمود چشمگیری داشت. این امر از نامه‌ها و پیام‌های آن حضرت به سران دولت‌های دیگر جهت ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره، توافق‌های اصولی با آنان و کشاندن آنان به پای میز مذاکره‌ی صلح آمیز به خوبی مشهود است. برای مثال می‌توان از نامه‌ی آن حضرت ﷺ به اسقف روم در قسطنطنیه و نامه‌ی ایشان به نجاشی پادشاه حبشه که در آنها بر مشترکات دین اسلام و مسیحیت اشاره شده است یاد کرد.^۳

ب- استراتژی صلح

در اسلام، روابط خارجی بر صلح استوار است و جنگ حالت استثنایی دارد و بنا به ضرورت تجویز می‌شود. پیامبر اعظم ﷺ همواره

۱- ابن هشام، سیره النبی، جلد ۳، ص ۲۱۶.

۲- آل عمران / ۲۵۹.

۳- احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۱۶۹.

صلح خواهی را به عنوان یک استراتژی مهم در رفتار سیاسی خود در روابط خارجی اعلام کرده‌اند؛ به ویژه از سال ششم هجرت استراتژی صلح را به طور دقیق جایگزین استراتژی جنگ (جهاد) کردند، که بارزترین و ملموس‌ترین نمود عینی آن صلح حدیبیه بود. البته پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم قبل از این صلح اقدامات صلح طلبانه‌ای دیگر هم داشته‌اند، از آن جمله:^۱

- صلح با بنی‌ضمیر و بنی‌مدلج: سال دوم هجری؛
 - صلح با یهودیان یثرب؛
 - پیشنهاد صلح در غزوه‌ی خندق: سال پنجم هجری، این پیشنهاد به قبیله‌ی غطفان بود؛
 - صلح در غزوه‌ی خیبر.
- و همین طور بعد از صلح حدیبیه این اقدامات صلح طلبانه را دنبال کردند:
- صلح در غزوه‌ی خیبر: فتح خیبر در دو مرحله‌ی غلبه و صلح محقق شد؛
 - صلح با یهود فدک؛
 - معاهده با یهودیان وادی القری؛
 - صلح بر اساس جزیه: این نوع مصالحه از سال نهم هجری آغاز شد^۲ و از آن تاریخ به بعد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس جزیه اقدام کردند: غزوه‌ی تبوک، صلح با مسیحیان نجران، صلح با زرتشتیان بحرین و هجر و عمان از آن جمله است.

۱- منتظری مقدم، حامد، صحنه‌های صلح و آشتی، درخشش در کارنامه‌ی رسول خدا، ویژه‌نامه‌ی تاریخ اسلام، قم، ص ۱۳۰.

۲- ابن هاشم، سیره‌النبی، جلد ۲، ص ۵۴۸.

در اینجا سزاوار است که به استراتژی جهاد در رفتار سیاسی و دیپلماسی پیامبر اعظم ﷺ نیز اشاره شود.

در آیات قرآن کریم به واژه‌هایی چون «حرب»، «جهاد»، «قتال» اشاره شده که تمامی آنها به معنی «جنگ» است.

قرآن کریم تنها «جهاد سیل الله» را جنگ مشروع می‌داند. فلسفه‌ی جهاد در اسلام، حاکمیت اصول ارزشمند الهی و انسانی و رفع ستم از مظلومان و مستضعفان است.^۱

شریعت مقدس اسلام، جنگ و جهاد را به عنوان یک ضرورت و آخرین راه چاره پذیرفته و در اسلام دعوت مقدم بر جهاد است و جهاد بی دعوت مجاز نیست.^۲ قتال در راه خداوند، چه دفاعی و چه ابتدایی، دفاعی از حق انسانی است و آن حق، همان حیات است؛ زیرا شرکت به خدای سبحان، هلاک انسانیت و مرگ فطرت و خاموشی چراغ در درون دل‌هاست.^۳

یکی از ساز و کارهای اعمال دیپلماسی فعال پیامبر اعظم ﷺ، بهره‌گیری لازم از استراتژی جهاد بود. پیامبر اعظم ﷺ به جهاد به مثابه‌ی یک راه حل اضطراری می‌نگریست و زمانی به آن متوسل می‌شد که ضرورت می‌یافت. جهاد از دیدگاه پیامبر اعظم ﷺ در شرایطی مجاز شمرده می‌شد که همه‌ی راه‌های صلح شرافتمندانه و مسالمت‌آمیز عاقلانه بسته شده باشد. این شیوه در دیپلماسی، منطبق با قاعده عقلانی «دفع افسد به فاسد» است.

۱- به این آیات مراجعه شود: بقره/ ۱۵۵ و ۲۴۶، نساء/ ۷۵.

۲- شلنوت، شیخ محمود، جنگ و صلح در اسلام، ترجمه شریف رحمانی، ص ۵۲.

۳- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۲، ص ۶۶.

مکانیزم‌های اجرایی دیپلماسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

دیپلماسی وسیله‌ای برای اجرای سیاست است سیاست خارجی هر دولتی اهداف خاصی دارد. هدف عمده‌ی سیاست خارجی دولت اسلامی مدینه رسیدن به امت واحد و به وجود آمدن کشور واحد جهانی تحت حاکمیت قانون واحد الهی بود. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با توجه به دو ویژگی مهم رسالت خویش (جهانی بودن و جاویدان ماندن) برای عملی شدن هدف اساسی اسلام از شیوه‌های متعددی بهره گرفت. برخی از مکانیزم‌های اجرایی آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دیپلماسی اش چنین است:

۱- مذاکره با سفرا و نمایندگان

مذاکره، در روابط خارجی دولت اسلامی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این نکته در دعوت‌های پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ارسال نامه به سران ممالک غیر اسلامی مشاهده می‌شود.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعوت و مذاکره را برای تمام سفیران خود یک تکلیف دینی می‌دانست و آنان را موظف می‌کرد تا دیپلماسی را مقدم بر شیوه‌های خشونت آمیز بدانند.^۱

به دنبال فتح مکه و فراغت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کار قریش، وی فرصت یافت تا مذاکره با سفرای قبایل و دولت‌ها و ملوک را فعال تر کند. از سال ششم هجری مدینه شاهد ورود هیأت‌های نمایندگی دولت‌ها و گروه‌های مذهبی بود. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با احترام کامل از هیأت‌های نمایندگی استقبال و با صداقت و قاطعیت با آنان مذاکره می‌کرد.^۲

۱- سجادی، عبدالقیوم، سیاست خارجی از دیدگاه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۱۱، ص ۹۹.

۲- عمید زنجانی، فقه سیاسی، صص ۳۲۱ و ۳۳۲.

با فرارسیدن سال نهم، آثار فتح مکه با سرازیر شدن اعراب به مدینه آشکار شد. سیره نویسان، سال نهم هجری را به دلیل کثرت حضور اعراب "عام الوفود" نامیده‌اند. صاحب طبقات الکبری از هفتاد و سه هیأت نمایندگی در این سال نام برده است.^۱

۲. اعزام مبلغان و ارسال پیام به سران دولت‌ها و قبایل

یکی از شیوه‌های معمول در دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اعظم ﷺ، اعزام مبلغان و دعوت کنندگان و ارسال پیام به رؤسای قبایل و دولت‌ها بود. این دعوت شکل‌های گوناگونی داشت:

- تماس مستقیم پیامبر اعظم ﷺ با افراد و سران و هیأت‌هایی که به مناسبت حج به مکه آمدند؛

- هجرت مسلمانان به امر پیامبر اعظم ﷺ در دو نوبت به حبشه، با انگیزه و ماهیت تبلیغی؛

- اعزام شخصیت‌های برجسته‌ی مسلمان، مانند: معاذ بن جبل به یمن، علی رضی الله عنه به یمن و مالک بن مراره، عبدالله مهاجر بن ابی امیه، اقرع بن عبدالله حمیر؛

- اعزام هیأت‌های تبلیغی مانند هیأت‌هایی که به یمن و نجد و رجب فرستاد.^۲ آن حضرت، در کنار اعزام مبلغان، به ارسال پیام‌ها به سران قبایل و دولت‌های دیگر می‌پرداخت. از سال ششم هجری، با انعقاد قرار داد صلح حدیبیه و فراغت از کار قریش، مانع اصلی پیشرفت اسلام بر طرف شد و فصل جدیدی در دیپلماسی پیامبر اعظم ﷺ آغاز و روابط بین‌المللی در شکل گسترده‌ای وارد مرحله‌ی جدید شد.^۳

۱- حسنی، علی اکبر، تاریخ اسلام، ص ۱۹۳. به نقل از: طبقات الکبری، جلد ۱، ص ۲۵۰.

۲- عمید رنجانی، فقه سیاسی، ص ۲۹۶.

۳- همان، ص ۳۴۰.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نامه و پیام‌های متعددی به سران قبایل و رؤسای مذاهب و دولت‌ها فرستاده که از آن جمله‌اند:

- پیام به شاه ایران (کسری)؛
- پیام به امپراتور روم (قیصر)؛
- پیام به پادشاه مصر (مقوقس)؛
- پیام به سلطان حبشه (نجاشی)؛
- پیام به فرمانروای بحرین (منذر)؛
- پیام به زمامدار یمامه؛
- پیام به زمامدار عمان؛
- پیام به ملک سماده؛
- پیام به ملوک غسان؛
- پیام به امیر بصره؛
- پیام به ملک هند (سربانک)؛
- پیام به ملوک یمن.^۱

برخی از محققان تعداد این نامه‌ها را متجاوز از سیصد مورد ذکر کرده‌اند. کتاب *مکاتیب الرسول* مشخصات چهل و چهار نامه‌ی سیاسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ذکر می‌کند که متن کامل آنها به دست ما نرسیده است، اما همین کتاب، متن دقیق یکصد و نود نامه‌ی مهم دیگر را همراه با ذکر مأخذ و تفسیر و تحلیل ذکر می‌کند که پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همه‌ی آنها را از مدینه برای سران کشورها، قبایل، اسقف‌ها و رجال ذی نفوذ در حدود امکانات پیکی و مخابراتی آن ایام ارسال کرده بود.^۲

۱- احمدی میانجی، *مکاتیب الرسول*، ص ۱۶۹.

۲- خلیلیان، سید جلیل، *اسلام و حقوق بین الملل*، ص ۱۱۵.

۳- انعقاد پیمان‌ها و قراردادهای سیاسی

الف- منشور مدینه یا نخستین قرارداد بین المللی در اسلام

یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین پیمان‌هایی که از سوی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با جوامع دیگر، اهل کتاب و مشرکین برقرار شد، پیمانی است که در آغاز ورود پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه، برای حفظ و امنیت داخلی و خارجی تدوین شد (منشور مدینه) و مفاد آن بدین قرار است:

- هیچ مؤمنی، مؤمن دیگر را به جای کافری نکشد و کافری را بر ضد مؤمنی یاری نکند؛

- عهد و پیمان خداوند یکی است و کوچکترین فرد مسلمان اگر کسی را در پناه خود آورد، همه آن را می‌پذیرند؛

- از یهودیان، هر کس هم پیمان ما باشد از یآوری و برابری برخوردار می‌شود و کسی به او ستم نمی‌کند و کسی بر ضد او یار نمی‌شود؛

- انتقام خود (قصاص) ممنوع نیست. هر کس دیگری را به قتل برساند قاتل و خانواده‌ی او ضامن می‌باشند.

- نفقه‌ی یهودیان بر یهودیان و نفقه‌ی مسلمانان بر مسلمانان است؛

- برای امضاکنندگان این منشور، شهر یترب حرم شمرده می‌شود؛

- این پیمان از ستمکار و گناهکار پشتیبانی نمی‌کند.^۱

ب) صلح حدیبیه

پیمان صلح حدیبیه که در سال ششم هجری برقرار شد، نقطه‌ی عطفی در زندگی سیاسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. برخی از مفاد پیمان صلح حدیبیه بدین قرارند:

۱- رهنما، زین العابدین، پیامبر، صص ۵۴۶-۵۴۹.

۱. قریش و مسلمانان متعهد شدند که تا ده سال با هم جنگ نکنند؛
 ۲. اگر فردی بدون اجازه به مدینه فرار کند، پیامبر در صورت تقاضای
 قریش او را به مکه بازگرداند، ولی اگر مسلمانی به قریش پناهنده شود
 او را تحویل نخواهند داد؛

۳. مسلمانان و قریش می‌توانند با هر قبیله‌ای که خواستند پیمان ببندند؛

۴. طرفین متعهدند که اموال یکدیگر را محترم بشمارند.^۱

از آثار و پیامدهای صلح حدیبیه این موارد را می‌توان ذکر کرد:

- شناسایی دولت اسلامی مدینه؛

- گشوده شدن راه جهت دعوت بیشتر مردم به اسلام؛

- وقوف مکیان بر سیاست صلح طلبانه، پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

- فتح مکه و آمد و شد نمایندگان سیاسی قبایل با پیامبر

اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از آن.

ج- پیمان صلح دائمی با مسیحیان نجران

یکی دیگر از معاهدات بین المللی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیمانی است

که آن حضرت با نصاری نجران بست. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طی

نامه‌ای به ابوحارثه، اسقف نجران، ساکنان آن دیار را به پذیرش

اسلام دعوت کرد و گروهی به عنوان هیأت نمایندگی نجران به

منظور مذاکره با پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بررسی دلایل او به مدینه آمدند.

بعد از طرح مباحله و سرباز زدن مسیحیان از این کار پیمان صلحی میان

آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسیحیان به امضا رسید و مسیحیان متعهد به

پرداخت مبلغی به صورت سالیانه به دولت اسلامی شدند و در برابر،

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مسؤولیت دفاع و جلوگیری از هر گونه ظلمی از

طرف مسلمانان به مسیحیان نجران و آزادی آنان در مراسم مذهبی را به عهده گرفتند.^۱

۴- حکمیت

یکی از شیوه‌های حل اختلاف دولت‌ها، بهره‌گیری از «حکمیت» است. این قاعده از نخستین روزهای زندگی اجتماعی بشر به صورت یک قاعده‌ی عرفی در ایران، یونان و روم باستان و در دوره‌ی جاهلیت عرب قبل از اسلام وجود داشته است.

در فقه اسلامی نیز «حکمیت» به عنوان یک عمل قضایی شناخته شده است.

موارد کاربرد حکمیت در تاریخ اسلام بدین قرارند:

- پس از شکست قبیله‌ی پیمان شکن یهود بنی‌قریظه و پیشنهاد به پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خصوص حکمیت سعد بن معاذ و قبول ایشان و حکم صادره از سوی او؛^۲

- حکمیت در جنگ صفین در سال ۳۷ هجری؛

۵- تألیف قلوب (ابزار اقتصادی)

یکی دیگر از مکانیزم‌های اجرای دیپلماسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تألیف قلوب بود که تاریخ اسلام شواهد متعددی از این اقدام آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ثبت کرده است. تألیف قلوب در اصطلاح فقه سیاسی عبارت است از حمایت مالی و اقتصادی امام مسلمین به منظور جذب مردم به اسلام.

۱- خدوری، جنگ و صلح در اسلام، ص ۳۴۸.

۲- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین الملل، جلد ۳، صص ۱۱۰-۱۰۹.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان رهبر نخستین دولت اسلامی در موارد عدیده‌ای از این ابزار اقتصادی برای گسترش اسلام بهره گرفت و علی رغم مخالفت دیگران در این جهت سرمایه گذاری می کرد.^۱

نتیجه گیری

شناخت ابعاد مدیریتی و رفتار سیاسی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و راز و رمز موفقیت آن بزرگوار در روابط خارجی، امری لازم و ضروری است. به ویژه از این نظر که علی رغم ساختار پیچیده‌ی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اعتقادی جزیره العرب و مشکلات فراوان و فشارهای طاقت فرسا، آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توانستند اسلام را به فراسوی مرزهای عربستان گسترش دهند و با به کارگیری شیوه‌های مناسب دیپلماسی، توفیق یافتند تا در مدتی کوتاه، علاوه بر توسعه‌ی اسلام، بر بدنه‌ی تمدن‌های بزرگ آن زمان لرزه بیفکنند.

دین مبین اسلام از همان آغاز بعثت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبنای دستورات و قوانین و اساس دعوت به توحید خود را بر پایه‌ی علم و عقل گذارد و از روش چانه‌زنی، استدلال منطقی و عقلایی دیپلماسی استفاده نمود، و نه تنها بر برخی از قوانین دیپلماسی و رفتار سیاسی رایج و متداول آن روزگار صحه گذارد، بلکه اصولی متقن و الهی جهت اعتلای انسان و فهم دستورات قرآن کریم بر آن‌ها افزود که بسیاری از آن‌ها معیار منشور حقوق بشر در جهان است.

۱- ابن هشام، سیره النبی، جلد ۲، ص ۳۱۴.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ منابع حقوقی دیپلماسی را با تکیه به وحی و استمرار از عقل کامل نمود، اصل نفی بندگی غیر خداوند را جهان گستر کرد، همزیستی مسالمت آمیز انسان‌ها را ترویج داد، رعایت احترام متقابل و نزاکت بین‌المللی را اصل مورد اعتنا در حقوق بین‌الملل نمود، و اصل وفای به عهد و احترام به قراردادهای و پیمان‌ها را از اصول مسلم مورد اعتنای اسلام خواند.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شیوه‌های سیاسی حل اختلافات در دیپلماسی که عبارت بودند از مذاکره و حکمیت و داوری را با به کارگیری اصول الهی و دستورات قرآنی کامل گردانید و با اتخاذ استراتژی دعوت و صلح، ثابت نمود که اسلام دین منطق و عقل است و جهاد در راه خدا، تنها در بن بست رسیدن راه حل‌های دیپلماسی کاربرد دارد و اصالت در دیپلماسی اسلام با صلح و دعوت است.

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با اتخاذ مکانیزم‌های اجرایی دیپلماسی خود، مانند مذاکره و فرستادن نمایندگان، اعزام مبلغان و ارسال پیام به سران دولت‌ها و قبایل، انعقاد پیمان‌ها و قراردادهای سیاسی، حکمیت و تألیف قلوب، راهکارهای جدیدی پیش روی انسانیت و کمال و اعتلای مقام آدمیت گذارد.

منابع

الف) کتابها

۱. ابن اثیر، *الكامل فی التاريخ*، ترجمه: خلیلی، عباس، تهران: علمی، ۱۳۵۸ ش.
۲. ابن هشام، *سیرة النبى*، ترجمه: رسولی محلّاتی، سید هاشم، تهران: اسلامیة، ۱۳۴۱ ش.
۳. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول*، قم: انتشارات یس، ۱۳۶۳ ش.
۴. الظالمی، محمد صالح، *من الفقه السياسى فى الاسلام*، بیروت: دارالمکتبة للحیاة، ۱۹۷۹ م.
۵. انصاری، شیخ مرتضی، *المکاسب*، تبریز، ۱۳۵۷ ش.
۶. بوازار، مارسل، *اسلام و حقوق بشر*، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸ ش.
۷. حسنی، علی اکبر، *تاریخ اسلام*، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۸ ش.
۸. خلیلیان، سید جلیل، *اسلام و حقوق بین الملل*، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۹. خدوری، مجید، *حقوق در اسلام*، ترجمه: رهنما، زین العابدین، تهران، اقبال، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *اسلام و حقوق بین الملل عمومی*، تهران: سمت، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. رشید، احمد، *اسلام و حقوق بین الملل عمومی*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. زرگری نژاد، غلامحسین، *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران: انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. شکوری، ابوالفضل، *فقه سیاسی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.

۱۴. شلتوت، شیخ محمود، جنگ و صلح در اسلام، ترجمه: رحمانی، شریف، تهران: بعثت، ۱۳۵۴ش.
۱۵. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، بیروت: دارالتراث الاسلامیه، ۱۴۰۰ق.
۱۶. صدر جواد، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۷. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران: انتشار، ۱۳۷۵ش.
۱۸. _____، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: انتشارا، ۱۳۶۹ش.
۱۹. عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی: حقوق بین الملل اسلامی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
۲۰. _____، فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: سمت، ۱۳۷۹ش.
۲۱. قوام، سید عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: سمت، ۱۳۷۰ش.
۲۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، (اصول فقه، فقه)، تهران: صدرا، ۱۳۸۲ش.
۲۳. موسوی، سید محمد، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۲ش.
۲۴. میری زاده، حسین، حقوق بین الملل در اسلام، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۰ش.

ب) مقالات

۲۵. سجادی عبدالقیوم، «سیاست خارجی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، ش ۱۱، ۱۳۷۹ ش.
۲۶. _____، «سیاست خارجی در قرآن»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۲۷. شیرخانی، علی، «دعوت و جنگ و صلح در قرآن»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۲۸. منتظری مقدم، حامد، «صحنه‌های صلح و آشتی در خشش در کارنامه‌ی رسول خدا»، ویژه‌نامه‌ی تاریخ اسلام، معاونت امور اساتید، ۱۳۸۱ ش.